

شعر گفتن چون زراه وزن خاست  
وز ردیف و قافیه افتاد راست  
عطار نیشابوری



## مقدمه

### سلام به تو دوست عزیز!

موسیقی از نگاه ارسطو هنر اول است و آنجا که با قلم گره می خورد، وزن و قافیه را می سازد. شعر فارسی از موسیقایی ترین اشعار جهان شمرده می شود و شناخت این موسیقی مستلزم شناخت قوانین عروض و قافیه است. کتاب حاضر بر آن است که قوانین عروض و قافیه را بر مبنای کتاب درسی «علوم و فنون» توضیح دهد! در این راستا، ابتدا مباحث اصلی کتاب بیان شده، سپس نکات تستی و روش ها و تکنیک های مورد نیاز دانش آموزان ذکر شده است. پس از ذکر هر مطلب، تست های آموزشی در میان درس آورده شده که به فهم و تثبیت آن کمک می کند. در پایان هر فصل نیز **سؤالاتی تشریحی و تستی** به منظور جمع بندی و با هدف آمادگی دانش آموز برای امتحانات نهایی و کنکور آمده است. هم چنین در فصل پایانی کتاب چهار آزمون جامع از کل عروض و قافیه طراحی شده تا دانش آموزان کنکوری بتوانند خود را سنجش کنند. ترتیب فصل های بخش عروض بر اساس ترتیب مطالب عروض در کتب درسی علوم و فنون ۱، ۲ و ۳ است! بنابراین دانش آموزان سال دهم و یازدهم نیز می توانند از مطالب این کتاب بهره ببرند.



این کُد را با گوشه هوشمند  
خود اسکن کنید و  
به کتاب گوش دهید...

## فهرست

- |     |   |        |
|-----|---|--------|
| ۷   | مقدمات قافیه                            | فصل ۱  |
| ۱۱  | قافیه                                   | فصل ۲  |
| ۵۳  | مقدمات عروض                             | فصل ۳  |
| ۵۵  | خط عروضی و تقطیع هجایی                  | فصل ۴  |
| ۷۵  | پایه‌های آوایی (ارکان عروضی)            | فصل ۵  |
| ۹۷  | پایه‌های آوایی همسان (ارکان عروضی)      | فصل ۶  |
| ۱۲۷ | پایه‌های آوایی ناهمسان                  | فصل ۷  |
| ۱۴۳ | اختیار زبانی                            | فصل ۸  |
| ۱۷۱ | اختیار وزنی                             | فصل ۹  |
| ۱۹۷ | وزن شعر نیمایی و بحرهای عروضی           | فصل ۱۰ |
| ۲۱۵ | وزن‌های پرکاربرد                        | فصل ۱۱ |
| ۲۱۹ | پیوست: آزمون‌های جامع، کنکورهای ۹۸ و ۹۹ |        |





فصل ١

# مقدمات قافیه







## مقدمات قافیه

۱

سعدی در شعری عارفانه با وزنی آهنگین این گونه به بیان احساس خود می‌پردازد:

**مثال:**

«وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها  
بی خویشتم کردی بوی گل و ریحان‌ها»  
با جابه‌جایی قافیه ببینیم در شعر چه تغییری روی می‌دهد؟

**مثال:**

«وقتی دل سودایی می‌رفت به بستان‌ها  
بوی گل و ریحان‌ها بی‌خویشتم کردی»  
مطمئناً با از دست رفتن قافیه و آسیب دیدن موسیقی آن از زیبایی‌های شعر کاسته شده است.  
هدف از آمدن این بخش آموختن قوانین قافیه در شعر است:

**واج**

کوچک‌ترین واحد آوایی زبان است که به دو دسته صامت و مصوت تقسیم می‌شود.

- مصوت: (۱) کوتاه: (اَ، اِ، اُ) بلند: آ / او / ای
- صامت: ۲۳ واج در زبان فارسی مانند: ب، پ، س، ج ...

**نکته‌های مهم و قابل توجه در تشخیص واج‌ها**

(۱) کلمه را آن‌چنان که می‌خوانیم جدا می‌کنیم بنابراین شکل نوشتاری کلمه اهمیتی ندارد:

**مثال:** خواهش ← خ / ه / ا / ش

خویش ← خ ای اش  
 زنده ← ز ا - ان ا د ا -  
 محبت ← م ا - ا ح ا - ا ب ا ب ا - ا ت

(۲) به کلمات زیر دقت کنید:

اوان - مور - تو - گود

در این ۴ کلمه از حرف «واو» استفاده شده ولی هر کدام از کلمات صدایی مجزا دارند. اگر حرف «واو» صدای «ء» یا «او» داشته باشد مصوت است. آنچه خوانده می‌شود این گونه است:

اوان (Avan) ← 

ء		م		و		ا		ن
ص		م		ص		م		ص

مور (mur) ← 

م		و		ر
ص		م		ص

تو (To) ← 

ت		ء
ص		م

گود (gowd) ← 

گ		ء		و		د
ص		م		ص		ص

در مورد کلمه پایانی باید گفت در برخی کلمات علاوه بر مصوت کوتاه «ء» یک صامت نیز بیان می‌شود که به صورت (W) در جلوی کلمه نوشته شده است. برای تشخیص این صامت کافی است بدانید که فقط در سه کلمه «تو» (ضمیر)، «چو» و «دو» (عدد) این صامت را نداریم.

حرف «ی» و «ه» نیز نماینده چند واجاند. به کلمات زیر توجه کنید:

ایران - یلدا ← در حالت اول صدای «ای» شنیده می‌شود که مصوت بلند است در حالی که در کلمه «یلدا» صدای «ی» که صامت است شنیده می‌شود.





خنده - راه ← در کلمه «خنده» صدای «ا» که مصوت کوتاه است و در کلمه «راه» صامت «ه» شنیده می‌شود.

ن		ا		ر		ی		ء	← ایران (iran)
ص		م		ص		م		ص	
		د		ل		ی		ی	← یلدا (yalda)
		ص		ص		م		ص	
		د		ن		ی		خ	← خنده (xande)
		ص		ص		م		ص	
				ه		ا		ر	← راه (rah)
				ص		م		ص	

### 🔔 تست آموزشی

واج‌های «ا-ی-و» به ترتیب در کدام گروه از واژه‌ها همگی مصوت بلند هستند؟

(۱) افسر، تیز، آهو

(۲) قیام، سیل، نوار

(۳) تهران، تبریز، ابرقو

(۴) مبدأ، شیر، نور

صدای «A»، «I» و «U» در واژگان گزینه ۳ مشهود است. در

گزینه ۱، الف در کلمه «افسر» همزه‌ای برای مصوت «ا» است.

در گزینه ۲ «ی» در «سیل» (seyl) و «و» در واژه «نوار» (navar)

صامت هستند. در گزینه ۴ «الف» نشانه همزه است.



**نکته:** حروف مشترک قافیه همواره با مصوت آغاز می‌شوند.

### 🕒 تست آموزشی

کدام قافیه طبق قاعده ۱ و ۲ نیست؟

- ۱) طفلک نوزاد را حاجی لقب  
یا لقب غازی نهی بهر نسب
- ۲) گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس  
خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس
- ۳) اعتقاد اوست راسخ‌تر ز کوه  
که ز صد فقرش نمی‌آید شکوه
- ۴) که ز هر ناشسته‌رویی کپ زنی  
شرم داری وز خدای خویش نی

**پاسخ** گزینه «۴»

در گزینه «۴» «نی» را نمی‌توان حروف مشترک دانست و اگر «ای» را نیز حرف مشترک بدانیم، قافیه نه طبق قاعده ۱ خواهد بود و نه براساس الگوی قاعده ۲.

### نکاتی برای دانش‌آموزان برتر

حروف مشترک به دو دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

- حروف اصلی
- حروف الحاقی

### ◀ حروف الحاقی

- ۱ شناسه‌ها: بردم - خوردم (-رد = اصلی + م = الحاقی)
- ۲ ضمایر متصل: دردش - سردش (-رد = اصلی + ش = الحاقی)
- ۳ پسوندها: مردان - روی‌زردان (-رد = اصلی + ان = الحاقی)
- ۴ مخفف صیغه‌های زمان حال بودن: خوبی؟ - مطلوبی؟ (وب = اصلی + ی = الحاقی)



۵ «ی» که به کلمات مختوم به «او / آ» می‌چسبد: خدای - سرای  
(ا = اصلی + ی = الحاقی)

۶ مصوت «ای» پایان کلمات قافیه همواره حرف الحاقی است:  
علی - بلی (-ل = اصلی + ای = الحاقی)

۷ های بیان حرکت («ه» نوشته می‌شود و «ه» خوانده می‌شود) اگر در  
پایان کلمات قافیه بیاید الحاقی است: خنده - پاینده (-ند =  
اصلی + ه = اصلی)

### 🕒 تست آموزشی

تعداد حروف اصلی کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) آن خضر جان کز اجل بهراسد او  
شاید از مخلوق را شناسد او
- ۲) گفت صد خدمت کنم تو جای ده  
آن کمان و تیر در کفم بنه
- ۳) یارب آن نو گل خندان که سپردی به منش  
می‌سپارم به تو از چشم حسود چمنش
- ۴) در اگر چه خرد و اشکسته شود  
توتیای دیده خسته شود

پاسخ **گزینه «۴»**

**گزینه ۱:** حروف مشترک ← اسد / اس (اصلی) + د (الحاقی)

**گزینه ۲:** حروف مشترک و اصلی ← ه (الحاقی ندارد).

**گزینه ۳:** حروف مشترک: نَش / ن (اصلی) + ش (الحاقی)

**گزینه ۴:** حروف مشترک: سته / ست (اصلی) + ه (الحاقی)

🗨 **نکته:** قاعده قافیه براساس حروف اصلی تعیین می‌شود.





**گزینه ۲:** «سو» را نمی‌توانیم حرف مشترک بدانیم زیرا حروف مشترک باید با مصوت آغاز شود بنابراین حرف اصلی «او» و قاعده ۱ است.

**گزینه ۴:** «-پا» بین دو کلمه مشترک است. باتوجه به این که حرف الحاقی نداریم، اولین مصوت پایان کلمه «آ» است که حرف اصلی قافیه محسوب می‌شود و قاعده قافیه، قاعده ۱ است.

## خودارزیابی (۱)

در بیت‌های زیر ردیف، واژه‌های قافیه، حرف اصلی قافیه و قاعده آن را مشخص کنید. (مانند نمونه)

عاشقم سوخته‌ام و بگذارید مرا / لحظه‌ای با دل شیدا بگذارید مرا  
(علی اطهری کرمانی)

ردیف: [بگذارید مرا] / واژه‌های قافیه: [وا، شیدا] / حرف اصلی: [ا]  
طبق قاعده ۱

۱. دانی که چیست دولت؟ دیدار یار دیدن
- در کوی او گدایی بر خسروی گزیدن
۲. مپسند که چون آتش خاموش بمیرم
- وز خاطره‌ها گشته فراموش بمیرم
۳. ستاره دیده فروبست و آرمید بیا
- شراب نور به رگ‌های شب دوید بیا
۴. ابر می‌بارد و من می‌شوم از یار جدا
- چون کنم دل به چنین روز ز دلدار جدا؟

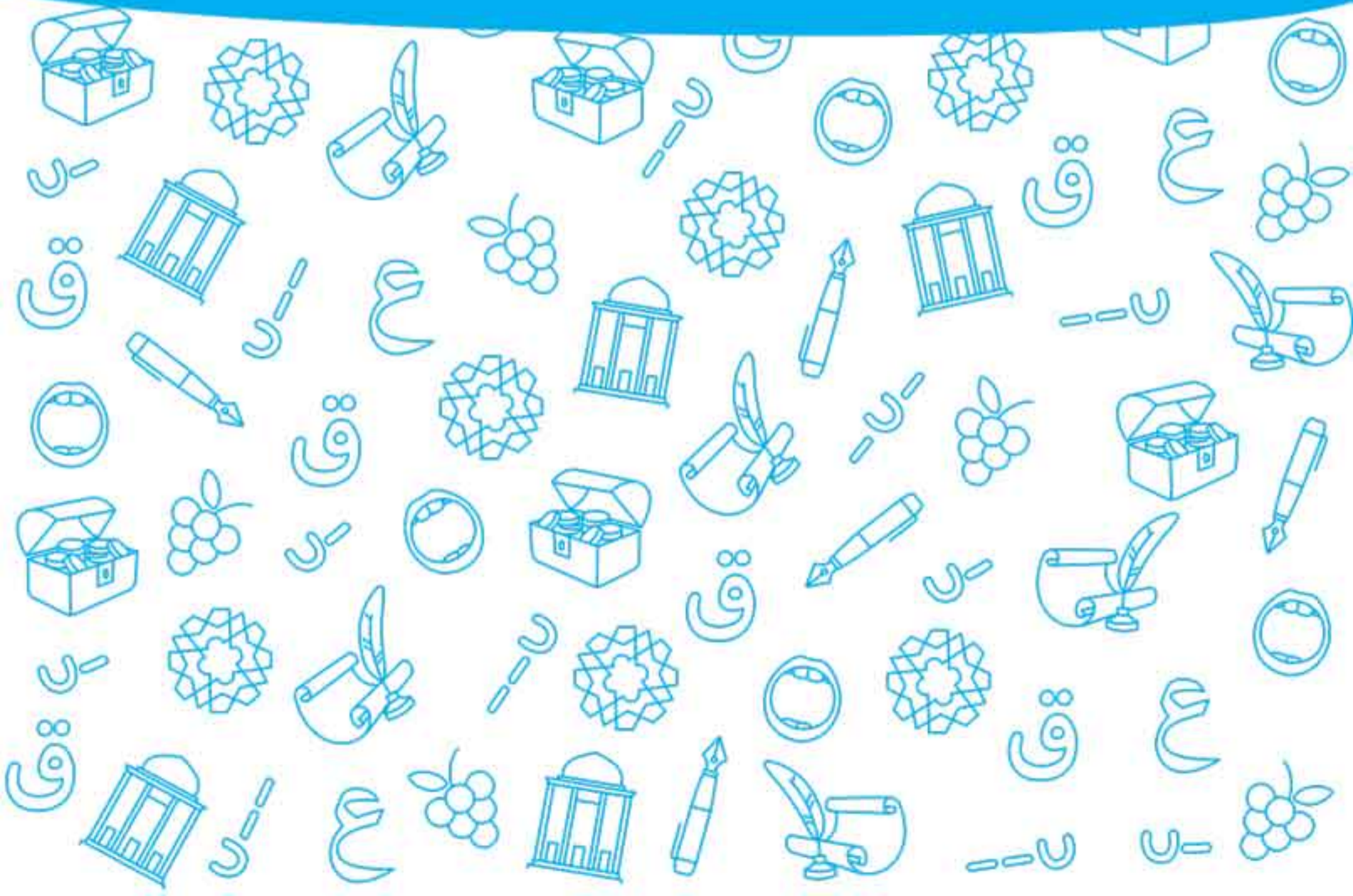
۵. نشد یک لحظه از یادت جدا دل  
زهی دل، آفرین دل، مرحبا دل
۶. چون مه یک شبه جور تو دوتا کرد مرا  
عاقبت عشق تو انگشت نما کرد مرا
۷. چو در بستی به روی من به کوی صبر رو کردم  
چو درمانم نبخشیدی به درد خویش خو کردم
۸. گفت: هیچ از نحو خواندی؟ گفت: لا  
گفت: نیم عمر تو شد در فنا
۹. زلفت هزار دل به یکی تار مو ببست  
راه هزار چاره گر از چارسو ببست
۱۰. گوهر خود را هویدا کن کمال این است و بس  
خویش را در خویش پیدا کن کمال این است و بس
۱۱. نشود فاش کسی آن چه میان من و توست  
تا اشارات نظر نامهرسان من و توست
۱۲. ما ز بالایم و بالا می رویم  
ما ز دریاییم و دریا می رویم
۱۳. ما برون را ننگریم و حال را  
ما درون را بنگریم و قال را
۱۴. پدر با پسر یکدگر را کنار  
گرفتند و کرده غم از دل کنار
۱۵. به یار بی وفا عمری وفا کردم ندانستم  
به امید وفا بر خود جفا کردم ندانستم





فصل ٣

# مقدمات عروض







## مقدمات عروض

۳

- اساسی ترین عامل پیدایی شعر = عاطفه
- عاطفه = حالتی روحی و روانی که شاعر در خود احساس می کند و دیگران را در آن احساس با خود همراه می سازد.
- مؤثرترین عامل پس از عاطفه = وزن
- وزن = ادراکی حسی که از احساس نظم و از طریق حواس ما حاصل می شود و جزو طبیعت شعر است و جنبه تزئینی ندارد.

### موسیقی شعر

- موسیقی و وزن برای برانگیختن حس و حال عاطفی (مانند آندوه، شادی، تعجب و ...) و انتقال بهتر آن به کار می روند.
- توجه به فضای عاطفی و وزن باعث کشف لحن می شود که نتیجه آن درک راحت تر متن و دلنشینی بیشتر آن است.

#### مثال:

- دلش گشت پر درد و سر پر ز کین به ابرو ز خشم اندر آورد چین
- شاعر به کمک وزن «فعولن» و آهنگ «کوبنده»، «کوتاه»، «ضربی» و «تند» بار حماسی به شعر داده است.

#### مثال:

- ای مطرب شیرین نفس هر لحظه می جنبان جرس
- ای عیش زین نه بر فرس بر جان ما زن ای صبا
- شاعر به کمک ویژگی های آوایی (سجع ها یا همان قافیه های درونی) بر قدرت اثرگذاری حس و حال شادی متن افزوده است. در بیت زیر نیز حس و حال غم حاکم بر فضای بیت مشهود است:

#### مثال:

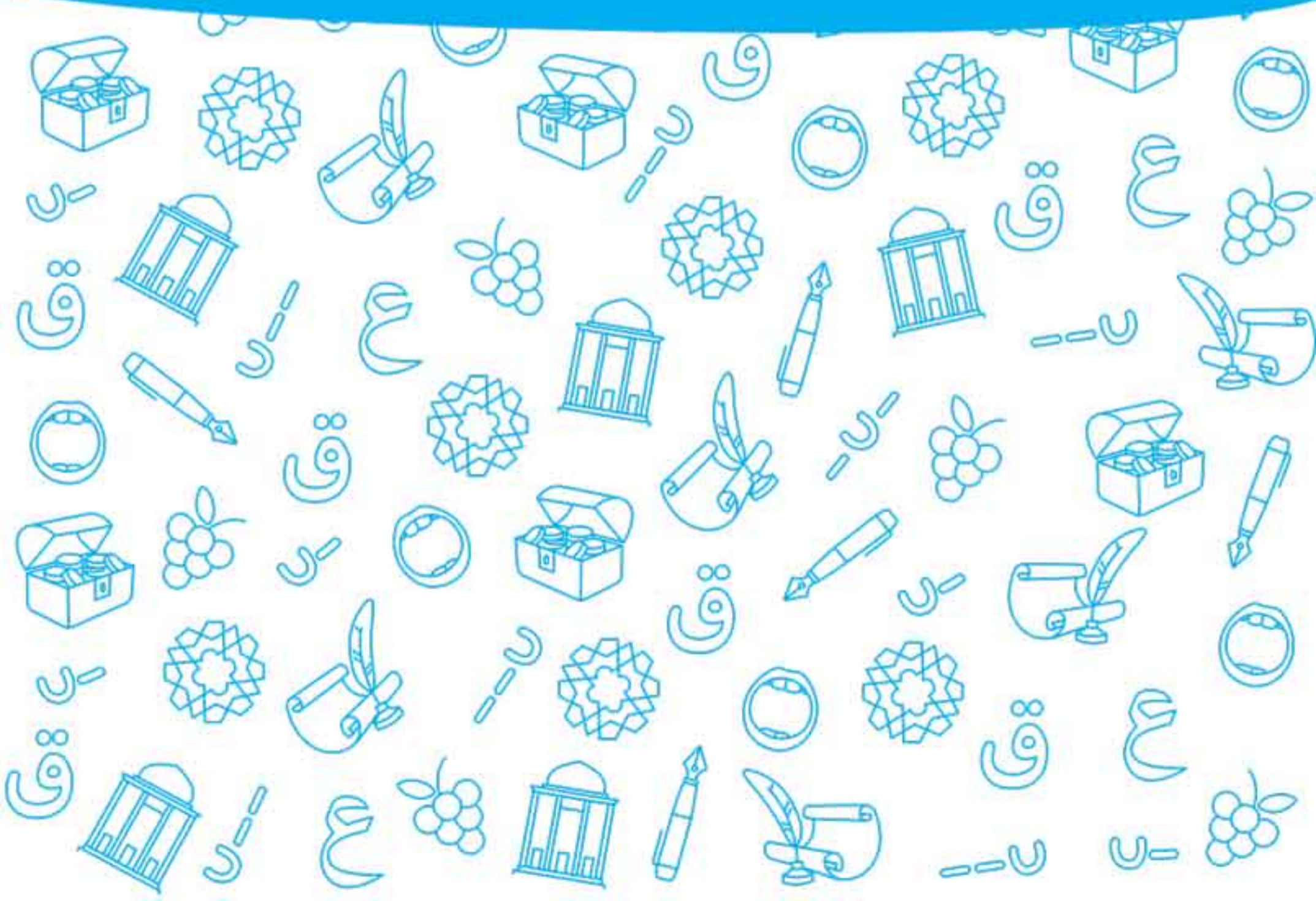
- زین درد خون گریست سپهر و ستاره هم
- خون گشت قلب لعل و دل سنگ خاره هم





فصل ۴

# خط عروضی و تقطیع هجایی







## وزن شعر فارسی

۴

سخن از سه عامل تأثیر می‌پذیرد: (۱) وزن (۲) عاطفه (۳) خیال. وزن آشکارترین ابزار موسیقایی شعر است.

◀ **عروض:** علمی که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبه نظری و عملی تعیین می‌کند «عروض» نامیده می‌شود.

وزن شعر فارسی، بر مبنای کمیت هجاها است یعنی تعداد هجا و نوع آن‌ها باید در تمام مصراع‌ها کاملاً یکسان باشد تا بتوانیم دو بیت را هم‌وزن بدانیم.

• واحد وزن شعر فارسی یک مصراع است؛ یعنی وزن مصراع اول در کل مصراع‌های شعر تکرار می‌گردد. برای یادگیری عروض، تسلط بر هجا و انواع آن و درست خواندن شعر بسیار ضروری است.

پس برای آموختن وزن شعر فارسی پس از آشنایی با انواع هجا و درست خوانی شعر و استفاده صحیح از خط عروضی با پایه‌های علم عروض و نیز اساس وزن شعر فارسی بیشتر آشنا می‌شوید.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، واج‌ها یا مصوت‌اند (اَ / او / ای) و یا صامت‌اند. ترکیب صامت‌ها و مصوت‌ها هجاها را می‌سازد.

◀ **هجا (بخش):** مقدار آوایی که با یک بار باز شدن دهان ادا می‌کنیم. همه ما در دوران دبستان هجا (بخش) کردن را آموخته‌ایم.

• تعداد هجاهای یک واژه برابر است با تعداد مصوت‌های آن:  
دِل‌دار ← دل + دار / دَسْت‌بَند ← دست + بند

◀ **خط عروضی:** نوشتن واژه‌ها به همان صورت که خوانده می‌شوند:  
خواری ← خا / ری - بنفشه ← بَ / نَف / شِ



**نکته:** در کلمات تشدیددار، حرف مشدد را دوبار می‌خوانیم و

می‌نویسیم: مدرّس ← م / دَر / رِس

حروفی که خوانده نمی‌شوند، نمی‌نویسیم: خواهش ← خا / هِش

در خواندن بعضی کلمات، برخی حروف به یکدیگر می‌چسبند:

دل‌انگیز ← د / اَلن / اِگِز

به این موارد «حذف همزه» گفته می‌شود که باید هنگام خواندن بیت یا مصراع رعایت شود:

من از این جا به ملامت نروم: مَ / اَن / اَزِین / اِجا / اِب / اِم / اِلا / اِمَت / اَن / اَر / اَوَم  
در این مثال یک‌بار «من» و «از» و بار دیگر «از» و «این» در خواندن مصراع به یکدیگر متصل شده‌اند.

همان‌طور که در قافیه بیان شد، در برخی کلمات بعد از مصوت کوتاه «ا» یک

صامت قرار می‌گیرد. حضور این صامت شکل خط عروضی را تغییر می‌دهد:

تو را آن به که روی خود ز مشتاقان بپوشانی:

تُ / اِرا / اَن / اِبه / اِک / اِرو / اِی / اِخُد / اِز / اِمِش / اِتا / اِقان / اِب / اِپو / اِشانی

دانی که چیست دولت؟ دیدار یار دیدن:

دا / اِنی / اِک / اِچیست / اِدُو / اِلت / اِدی / اِدا / اِر / اِیار / اِدی / اِدن

### 🕒 تست آموزشی

خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن درست است؟

(۱) من از آن روز که در بند توام آزادم: مَ / اَنز / اَن / اَرُوز / اِک / اِدِر / ا

بِن / اِد / اَت / اِم / اِآ / اِزا / اِدَم

(۲) شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل: شَ / اِب / اِتا / ا

رِی / اِک / اِبِی / اِم / اِم / اِج / اِگر / اِدا / اِبِی / اِچ / اِنِین / اِها / اِیل

(۳) قصه‌ی شیرین یار نغمه‌ رنگین عود: قِص / اِص / اِی / اِشی / اِرِی / ا

ن / اِیار / اِنِغ / اِم / اِی / اِرِن / اِگی / اِن / اِعود

(۴) جوری که آن بت می‌کند بی‌اختیاری می‌برد: جُ / اِرِی / اِک / ا

اَن / اِبِت / اِمِی / اِک / اِنِد / اِبِی / اِخ / اِتِی / اِیارِی / اِمِی / اِب / اِرِد





## پاسخ گزینه «۳»

در مصراع سوم خط عروضی صحیح است.

**گزینه ۱:** مَ اَن ازان اروز اِک ادر ابن اد اِت اَم اآ ازا ادم

**گزینه ۲:** ش اب اتاری اک ابی ام امواج اگر ادا ابی ا

چ انین اها ایل

**گزینه ۴:** جواری اک آن ابت امی اک اند ابی اخ ات ا

یااری امی اب اردد

◀ **تقطیع هجایی:** قطعه قطعه کردن شعر به هجاها و ارکان عروضی که براساس خط عروضی انجام می شود. برای یادگیری تقطیع هجایی لازم است انواع هجاها را بشناسیم:

## انواع هجاها

نمونه	نشانه	نحوه قرار گرفتن واجها	هجا
ک، و، ا	(U)	صامت + مصوت کوتاه	(۱) کوتاه
با - مو در - دل	(-)	الف) صامت + مصوت بلند ب) صامت + مصوت کوتاه + صامت	(۲) بلند
دست کار - کاشت	(U-)	الف) صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت ب) صامت + مصوت بلند + یک یا دو صامت	(۳) کشیده

حال به مثال های زیر دقت کنید:

شید	خُر	خورشید:
U-	-	





## پایه‌های آوایی ناهمسان

۷

در بسیاری از اشعار فارسی پایه‌های آوایی یا ارکان عروضی یکسان نیستند و در تقسیم پایه‌های آوایی آن‌ها با ارکان همسان مواجه نمی‌شویم. این پایه‌های آوایی ناهمسان از حیث ریتم و آهنگ دلنشین‌تر هستند.

### مشهورترین پایه‌های آوایی ناهمسان عبارتند از

#### مفعول مفاعن فعولن

مثال:

جانا نظری که ناتوانم      بخشاکه به لب رسید جانم

جا	نا	نَ	ظَ	ری	کِ	نا	تَ	وا	نِم
بَخ	شا	کِ	بِ	لَب	رِ	سی	د	جا	نِم
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-

#### مفاعن فعلاتن مفاعن فعَلن

یکی از پرکاربردترین اوزان زیبای شعر فارسی است.

مثال:

بیابَه خانَه اَلاه‌ها سَری بزَنیم

ز داغ با دل خود حرف دیگری بزَنیم

بِ	یا	بِ	خا	نِ	یِ	آ	لا	لِ	ها	سَ	ری	بِ	زَ	نیم
زِ	دا	غ	با	دِ	لِ	خُد	حَرفِ	دِ	دی	گَ	ری	بِ	زَ	نیم
-	U	-	U	U	-	-	-	U	-	U	-	U	U	-




### مفتعلن فاعلات مفتعلن فع

 مثال:

از در بخشندگی و بنده‌نوازی مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا

آز	دَ	رِ	بَخ	شَن	دِ	گِی	یِ	بَن	دِ	نَ	وَ	زِی
مُر	غِ	هَ	وَ	رَا	نَ	صِی	بُ	مَ	هِی	یِ	دَر	یَا
-	U	U	-	-	U	-	U	-	U	U	-	-

 نکته: برخی از اوزان ناهمسان دیگر عبارتند از:

- ◀ فعاتن مفاعن فعلن
- ◀ مفعول مفاعن مفاعیلن
- ◀ مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن
- ◀ مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن و ...

### تست آموزشی

همهٔ ابیات به استثنای ..... در وزن ناهمسان سروده شده‌اند.

- (۱) گرم به لطف بخوانی ورم به قهر برانی  
تو قهرمانی و قادر بکن هر آن چه توانی
- (۲) طراوت رُخت آن سمن تمام ببرد  
رخت ز گل نم و از آفتاب نام ببرد
- (۳) گردست دهد خاک کف پای نگارم  
بر لوح بصر خط غباری بنگارم
- (۴) یار مرا عارض و عذار نه این بود  
باغ مرا نخل و برگ و بار نه این بود





## پاسخ خودارزیابی

۱

الف

دِل	نیست		کَ	بو	تر	مِا
از	گو	شِ	ی	با	می	مِا
—	—	U	U	—	—	U
مفعول			مفاعیلُ			

چُ	بَر	خاست	نِ	شی	تَد
پَا	ری	دیم	پَا	ری	دیم
U	—	U —	U	—	—
مفاعیلُ			فعولن		

ب

عید	بَر	عا	شِ	قان	مَ	با	رَک	باد
عا	شِ	قان	عی	د	تان	مَ	رَک	باد
—	U	—	—	U	—	U	—	—
فاعلاتن			مفاعلن			فع لن		

این بیت دارای اختیارات شاعری است.

پ

ش	فا	ی	این	د	ل	بی	ما
ط	بی	ب	جا	ن	خ	را	یح
U	-	U	-	U	U	-	-
مفاعِلن				فَعَلاتن			

ر	جُز	ل	قا	ی	ت	نیست	
ک	سی	و	را	ی	ت	نیست	
U	-	U	-	U	U	-	
مفاعِلن				فَعَلن			

ت

راس	تی	کن	ک	را	س	تان	رَس	تند
راس	تان	دَر	ج	هان	ق	وی	دس	تند
U-	-	-	U	-	U	-	-	-
فاعلاتن			مفاعِلن				فَع لَن	

ث

با	آن	ک	جی	ب	جا	م
ما	را	فا	را	غ	ت	نیست
-	-	U	-	U	-	U
مفعول				فاعلات		





فصل ۸

# اختیار زبانی







## اختیار زبانی



می‌دانیم که شعر فارسی یکی از زیباترین و پیشرفته‌ترین اشعار جهان از حیث وزن و موسیقی است و تمامی مصراع‌ها در یک شعر از حیث کمی و کیفی در وزن یکسان هستند.

ولی گاهی این هماهنگی و انسجام دچار ناهمگونی‌هایی می‌شود؛ یعنی آن‌چه در تقطیع داریم، با وزن شعر همخوانی ندارد که به آن «اختیارات شاعری» می‌گوییم و این اختیارات به دو نوع زبانی و وزنی تقسیم می‌شود.

### اختیار زبانی

اختیاراتی هستند که شاعر با نحوه بیان و شیوه تلفظ خود اعمال می‌کند که عبارتند از:

۱ حذف همزه ۲ تغییر کمیت مصوت‌ها

### اختیارات وزنی

امکان تغییراتی کوچک در وزن است که گوش فارسی‌زبان‌ها آن‌ها را عیب نمی‌شمارد که عبارتند از:

- ۱ بلند بودن هجای پایان مصراع‌ها
- ۲ آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در اول مصراع
- ۳ ابدال
- ۴ قلب که هر یک را مفصل توضیح خواهیم داد.

**تذکره:** یادگیری عروض بدون آگاهی از اختیارات زبانی و وزنی امکان‌پذیر نیست. بسیاری از ابیات دارای اختیارات شاعری هستند، پس تعیین وزن شعر فارسی بدون یادگیری اختیارات شاعری امری محال است.



۱ حذف همزه

اگر پس از همزه آغاز کلمه، صامتی بیاید و این همزه به تلفظ در نیاید به ضرورت وزن می‌توان آن را حذف کرد. به عنوان مثال در بیت زیر همزه حذف می‌شود:

مثال:

خرد بهتر از هر چه ایزد بداد ستایش خرد را به از راه داد

خ	رَد	بِهـ	تـ	رَز	هَر	چ	ای	زَد	بـ	داد
سِ	تا	پِش	خِ	رَد	را	بـ	هَز	را	هـ	داد
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-
	فعولن		فعولن		فعولن		فعولن		فَعَل	

در هجای پنجم مصراع اول و هجای هشتم مصراع دوم همزه‌ها حذف شده‌اند و گرنه وزن شعر ناهمگون می‌شد.

تست آموزشی

در مصراع اول کدام بیت دوبار حذف همزه رخ نداده است؟

- (۱) دست از طلب ندارم تا کام من برآید  
یا تن رسد به جانان یا جان ز تن برآید
- (۲) ناورد محنت است در این تنگنای خاک  
محنت برای مردم و مردم برای خاک
- (۳) خیزید و خز آرید که هنگام خزان است  
باد خنک از جانب خوارزم وزان است
- (۴) دلا یاری دگر جستی بدین کار از تو خشنودم  
تو از زاری بیاسودی من از خواری بیاسودم



## پاسخ گزینه ۴

در مصراع اول بیت پایانی یک حذف همزه داریم:

کار از	کا	رز
	-	-

گزینه ۱: دست از	دس	تز	/	برآید	ب	را	ید
	-	-			U	-	-

گزینه ۲: در	در	این	/	محنت	مح	ن	تست
این	U	-		است	-	U	U-

گزینه ۳:	خزآرید	خ	زا	رید	/
		U	-	U-	

خزان است	خ	زا	نست
	U	-	U-

## ۲ تغییر کمیت مصوت‌ها

شاعر در مواردی خاص می‌تواند مصوت کوتاه را بلند و یا مصوت بلند را کوتاه تلفظ کند.

اگر وزن شعر را به صورت سماعی می‌توانید به دست آورید بهتر است اول وزن شعر را بنویسید و سپس بیت را تقطیع کنید. با مقایسه تقطیع با وزن، متوجه اختیارات شاعری خواهید شد.



**الف. بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه:** یعنی زمانی که در تقطیع شعر به هجای کوتاهی بر می خوریم که با وزن شعر همخوان نیست باید هجای کوتاه را تبدیل به هجای بلند کنیم.

بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه در چند مورد رخ می دهد:

۱ کسره اضافه: دلِ من = دَلِ -

**مثال:**

پی ناقه اش رفتم آهسته ترسم      غباری به دامان محمل نشیند

وزن شعر	U - - (فعولن)	U - - (فعولن)
مصراع اول	پ ی نا قِ اش رف	پ ی نا قِ اش رف
	U <u>ی</u> U -	U - U -
	تَ ما هس ت تر سم	تَ ما هس ت تر سم
	U - U -	U - U -

وزن شعر	U - - (فعولن)	U - - (فعولن)
مصراع دوم	غُ با ری بِ دا ما	غُ با ری بِ دا ما
	U - U -	U - U -
	نِ مح مل نِ شی ند	نِ مح مل نِ شی ند
	U - U -	U - U -

۲ واو یا ضمه عطف: دل و جان دَلِ -

**مثال:**

شخص خفت و خرس می راندش مگس

وز ستیز آمد مگس زو باز پس









## آزمون جامع اول



۱. بیت زیر با کدام بیت هم وزن است؟

«مست شوند چشم‌ها از سكرات چشم او

رقص کنان درخت‌ها پیش لطافت صبا»

(۱) با روی همچون ماه خود با لطف مسکین خواه تو

ما را تو کن همراه خود چیزی بده درویش را

(۲) چون که به لطفش نگری سنگ حجر موم شود

چون که به قهرش نگری موم تو خود خاره شود

(۳) باغ دلم که صد ارم در نظرش بود عدم

نرگس تازه خیره شد کز شجری چه می‌شود؟

(۴) ای گل و گلزارها کیست گواه شما

بوی که در مغزهاست، رنگ که در چشم‌هاست

۲. قاعده قافیة کدام بیت متفاوت است؟

(۱) وز اثر می‌گفت جان را سست شو

ظاهر نقره گر اسپید است و نو

(۲) گفت اینک اندر آن کارم شها

کافکنم در دین عیسی فتنه‌ها

(۳) گفت ای شه مزده حاجاتت رواست

گر غریبی آیدت فردا ز ماست

(۴) هان و هان این راز را با کس مگو

گرچه از تو شه کند بس جست‌وجو

۳. در کدام بیت از دو نوع اختیار شاعری بهره گرفته شده است؟

(۱) بیا ای جان نو داده جهان را

ببر از کار عقل کاردان را



## آزمون جامع چهارم



۱. کدام بیت ذوقافیتین است؟

- (۱) از دوست به هر جوری بیزار نباید شد  
از یار به هر زخمی افگار نباید شد
- (۲) اگر مانند رخسارت گلی در بوستانستی  
زمان را از کمالت شرف بر آسمانستی
- (۳) صبحدمی که برکنم دیده به روشنائیت  
بر در آسمان زخم حلقه آشنائیت
- (۴) مسلمانان سلامت به چو بتوانید من گفتم  
دل بیچارگان از خود مرنجانید من گفتم

۲. در کدام ابیات «تغییر مصوت بلند به کوتاه» رخ داده است؟

- (الف) چو نقاب برگشایی مه آن جهان برآید  
ز فروغ نور رویت ز جهان فغان برآید
- (ب) سرو زیبا و به زیبایی بالای تو نه  
شهد شیرین و به شیرینی گفتار تو نیست
- (ج) روزی اندر خاکت افتم و ر به بادم می رود سر  
کان که در پای تو میرد جان به شیرینی سپارد
- (د) ای قاعده تازه ز دست تو کرم را  
وی مرتبه نو ز بنان تو قلم را
- (ه) تارشته میثاقم با موی تو محکم شد  
کارم همه بر مویی بر بسته و درهم شد

(۲) د - ه

(۱) ب - ج

(۴) ج - ه

(۳) الف - د



۳. در تمام گزینه‌ها به جز ..... مصراع‌های روبه‌روی هم، وزنی یکسان دارند.

- (۱) هیچ کس مر تو را نباشد هیچ /  
مشتری بر فلک نظاره توست
- (۲) از تو جز درد دل و خون جگر حاصل نیست /  
اگرم حیات‌بخشی و گرم هلاک خواهی
- (۳) تا دامن از من کشیدی ای سرو سیمین تن من /  
در زیر این بار اندوه ای دل مگر می‌توان شد
- (۴) نبایستی هم اول مهر بستن /  
حدیث جان به جز جان نداند.

۴. جداسازی پایه‌های آوایی همه مصراع‌ها به استثنای ..... در مقابل آن‌ها صحیح است.

- (۱) از گلستان رویت در دیده خار دارم: از گل سِ تا / نِ رویت / در  
دی دِ خا / ر دا رَم
  - (۲) می آسمانی چشیدی که نوشت: مِ یِ آ / سِ مانی / چِ شی دی / کِ نوشت
  - (۳) بر لوح بصر خط غباری بنگارم: بر لُوحِ / بَصْر خطِ طِ / غِ باری بِ / انِ گارم
  - (۴) گر چه از او جز دل فگار ندارم: گر چِ / آ زو / جز دِ لِ / فِ گارنِ / دارم
۵. قافیه‌های شعر نو زیر کدامند؟

«به کجا چنین شتابان؟ / گون از نسیم پرسید / دل من گرفته ز این  
جا / هوس سفر نداری / ز غبار این بیابان؟ / همه آرزویم اما / چه کنم  
که بسته پایم / به کجا چنین شتابان؟ / به هر آن کجا که باشد، به  
جز این سرا سرایم / سفرت به خیر اما / تو و دوستی خدا را / چو از  
این کویر وحشت به سلامتی گذشتی / به شکوفه‌ها به باران / برسان  
سلام مارا»

- |                 |                   |
|-----------------|-------------------|
| (۱) وحشت - سفرت | (۲) باران - برسان |
| (۳) ما - خدا    | (۴) پایم - آرزویم |



۱. قافیه در کدام بیت «یک گروه قیدی» است؟

- (۱) ای تاب داده گیسو حالی است بر دل من  
از تاب بی حسابت وز پیچ بی شماره
- (۲) آشفته‌گان عشقت گیرم که جمع گردند  
جمع از کجا توان کرد دل‌های پاره‌پاره
- (۳) با این سپاه مژگان از خانه گر در آیی  
تسخیر می‌توان کرد شهری به یک اشاره
- (۴) از لعل و چشمت آخر دیدی که شد فروغی  
ممنون به یک تبسم، قانع به یک نظاره

۲. قافیه در کدام بیت «غلط» است؟

- (۱) مرا چون خلیل آتشی در دل است  
که پنداری این شعله بر من گل است
- (۲) اجل ناگهان در کمینم کشد  
همان به که آن نازنینم کشد
- (۳) نه خود را به آتش به خود می‌زنم  
که زنجیر شوق است در گردنم
- (۴) گدایی که از پادشاه خواست دخت  
قفا خورد و سودای بیهوده پخت

۳. در همهٔ ابیات حذف «همزه» به چشم می‌خورد؛ به جز:

- (۱) برون خرام و ببر گوی خوبی از همه کس  
سزای حور بده رونق پری بشکن





- (۲) چون عندلیب فصاحت فرو شد ای حافظ  
تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن
- (۳) چو عطرسای شود زلف سنبل از دم باد  
تو قیمتش به سر زلف عنبری بشکن
- (۴) به زلف گوی که آیین دلبری بگذار  
به غمزه گوی که قلب ستمگری بشکن

۴. وزن بیت زیر، با کدام بیت یکسان است؟  
«فغان که منزل دور و دراز وادی عشق  
نکرد دل تهی از ناله چون جرس ما را»
- (۱) به سیر ماه از محفل مخوان پروانه ما را  
که می گردد خنک از پرتو مهتاب عیش ما
- (۲) سیاه در دو جهان باد روی موی سفید  
که همچو صبح، گران سنگ ساخت خواب مرا
- (۳) به اسیران بلا ملک امان فرمودند  
به فقیران گدا گنج سلاطین دادند
- (۴) نفحات صبح دانی ز چه روی دوست دارم  
که به روی دوست ماند که برافکند نقابی

۵. در بیت زیر، همهٔ اختیارات شاعری یافت می شود؛ به جز:  
«قوّت بازوی پرهیز به خوبان مفرورش  
که در این خیل حصاری به سواری گیرند»

- (۱) بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه، قلب  
(۲) کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند، ابدال  
(۳) آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن، حذف همزه  
(۴) بلند بودن هجای پایان مصراع، بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

## پاسخنامه کنکور سراسری ۹۹



### ۱. گزینه «۳»

قافیه در بیت‌های ۱ و ۲ و ۴ صفت‌های اسم پیش از خود به حساب می‌آیند و در مورد اسم توضیح می‌دهند در حالی که در بیت سه «به یک اشاره» زمان وقوع فعل جمله را مشخص می‌کند و قید زمان است. تذکر این تست در کنکور بی‌سابقه بود چون بیشتر به دستور زبان مربوط می‌شود تا قافیه.

### ۲. گزینه «۱»

در بیت ۱- : دِل و گُل قافیه هستند ولی مصوّت آن‌ها یکسان نیست حرف اصلی قافیه در دِل [ـِل] و در گُل [ـُل] است. یکسان بودن مصوّت‌ها و صامت‌ها در هر دو قاعده الزامی است و گرنه قافیه غلط خواهد بود.

قافیه سایر بیت‌ها:

۲- کمینم، نازنینم: حرف اصلی [ین] و [ـَم] الحاقی است.

۳- می‌زنم، گردنم: حرف اصلی [ـَن] و [ـَم] الحاقی است.

۴- دُخت، پُخت: حرف اصلی [ـُخت] مصوّت + صامت + صامت.

**نکته در قاعده ۲:** چه حرف اصلی (مصوت + صامت) باشد و چه (مصوّت + صامت + صامت) تمام حروف باید یکسان باشند.

### ۳. گزینه «۴»

با یک نگاه به بیت‌ها در می‌یابیم که در بیت ۴ همزه‌ای وجود ندارد که حذف شود. در سایر بیت‌ها حذف همزه در هجای دوازدهم صورت پذیرفته است.

### ۴. گزینه «۲»

وزن بیت سؤال و گزینه ۲ عبارتند از «مفاعِلن فعلاَتن مفاعِلن فعِلن»





### ۵. گزینه «۱»

نکته در بیتی که آوردن «فاعلاتن به جای فعلاتن در اول مصراع» به کار رفته است «قلب» امکان پذیر نیست چون قلب در وزن «مفتعلن» و «مفاعلن» به  $\text{کلل مَی رُود}$  نه اوزان دیگر، پس اختیار وزنی «قلب» نادرست است. وزن بیت (فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن) است.

ق	و	ت	ب	ا	ز	و	ی	پ	ر	ه	ی	ز	ب	خ	و	ب	ا	م	ت	ف	ر	و	ش		
ک	د	ر	ی	ن	خ	ی	ل	ح	ص	ا	ر	ی	ب	س	و	ا	ر	ی	گ	ی			ر	ن	د

UU +

آوردن فاعلاتن به جای فعلاتن در مصراع اول، کوتاه تلفظ کردن در هجای پنجم مصراع اول، بلند تلفظ کردن در هجای سوم مصراع اول، ابدال در هجای سیزدهم مصراع دوم و نیز بلند بودن هجای پایان مصراع در هر دو.

### ۶. گزینه «۴»

بیت ب) دو لختی همسان است و به دو طریق دسته بندی می شود.

و	ق	ت	ی	ن	ش	د	ک	ب	ی	د	و	س	ت	ب	ر	ح	ا	ل	ح	د	ن	گ	ر	ی	م
-	-	U	-	U	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U

۱- مفعول فاعلاتن // مفعول فاعلاتن

(-- U - / U -- // -- U - / U --)

۱- مستفعلن فعولن // مستفعلن فعولن

(-- U / - U -- / -- U / - U --)

بیت ه):

ا	ز	ب	س	ع	ر	ق	ش	ر	م	ن	ش	س	ت	ب	ر	و	ی	م
-	-	U	U	-	-	U	U	-	U	U	-	U	U	-	U	-	U	

۱- مستفعل مستفعل مستفعل مُستف

(-- / UU -- // UU -- / UU --)